

دومین هنگامه

شکوه از دست؛

امیر فیض - حقوقدان

اعلیحضرت رضاپهلوی پادشاه ایران در دوران ولایتعهدی و در راستای جلوس بسلطنت، گفتگویی داشته اند با حژان دزنوا، فرستاده مخصوص مجله پاری ماج، متن فارسی این مصاحبه که در اول آبانماه ۱۳۵۹ انجام گردیده اقتباس از روزنامه ایران آزاد است که عینا درسنگر شماره ۲۲ آبانماه ۵۹ بشماره ۵۳ درج شده است.

مصاحبه مفصل و شامل موضوعاتی مانند شاهنشاه، انقلاب، اسلام، کارتر، مردم مریکا، فرانسه، گروههای مبارزاتی، دشواریهای جهان، تراکم جمعیت جهان و شهرها و حاشیه هانی که بسوالات کمترارتباطی داشته، میباشد که این تحریر برای اتصال موضوع دوسوال و پاسخ مورد نظر را انتخاب میکند.

مصاحبه کننده پرسش میکند - بر اساس گزارشات قرار است روز ۳۱ اکتبر روزی که شمابه سن قانونی میرسید از طریق دفتر خود پیامی برای ملت ایران بفرستید. اگر قدرتهای بزرگ از طریق پرزیدنت سادات از شما بخواهند که از ارسال پیام خودداری کنید چه خواهید کرد؟

اعلیحضرت به پرسش بالا چنین پاسخ فرموده اند:

روزنم آبان بر اساس تقویم ایرانی من بر اساس قانون اساسی جانشین پدرم خواهم شد این یک اصل قانونی است که هیچکس نمیتواند در آن تغییری بدهد اما بخاطر

وضع کنونی ایران به این مناسبت هیچ مراسمی برگزار نخواهد شد فقط من ضمن پیامی به اطلاع ملت ایران خواهم رسانید که وظیفه تاریخی خود را بر عهده

میکیرم.....

پرسش دوم - چگونه میخواهید تاج و تخت خود را بازیابید؟ بازور؟ با کمک سران ارتش که امروز در تبعید هستند؟ یا از طریق یک قیام عمومی در ایران؟ برای بازسازی سلطنت روی چه کسی حساب میکنید و برای تامین احتیاجات مادی به کجای اندیشید؟

پاسخ اعلیحضرت به پرسش بالا:

نظام سلطنت ۲۵ قرن در ایران برقرار بوده آنچه امروز در ایران مشاهده میکنیم تنها یک وقفه کوتاه مدت است و مادوران طلانی خویش را باز خواهیم یافت مردم که

نیروی زنده کشوند فزید خورده اند اما من اطمینان دارم که این رژیم غیر قانونی را جابجا خواهند کرد من به این نیروی زنده تکیه خواهم کرد؛ فراموش نکنید که

«همه جا، تکرار میکنم همه جا در انگلستان، در آمریکا، فرانسه و آلمان و..... افسران، رؤسای، سیاستمداران، دانشمندان و سربازان محکوم به تبعید در کیمه هانی
 مثل شده اند برای بازگرداندن آرامش و خوشبختی به ایران نهایت میکنند این گروه که نظامی مانند ارتش رفائی، بخش ایران، چه سیاسی مانند نهضت آقایی
 ساپور. اختیار کرد و هسای طرفدار قانون اساسی چه میهن پرستانی مانند گروههای تیمسار اویسی و آریاناویا گروههای دیگر همه یک نقطه نظر مشترک دارند و آن بستگی به
 نظام شاهنشاهی ایران است..... حتی می توانم بگویم هر روز گروههای دیگری مثل میشوند هزاران نامه از افرادی که از پشتیبانی میکنند به ما می رسد این نامه ها
 اعلام میکنند که ماده نبرزد - پول البته که لازم است ولی هر انقلاب و یا ضد انقلابی منابع مالی خود را پیدا کرده است.

شکوه از دست ها

هر نهضت تکاملی و هر جهش نجات بخشی باید نسبت به آزمونهای گذشته و کلیتهای پیش، متاثر باشد و درجهت
 تکرار و یا طرد آنها بهره گیرد.

هرگز سالهانی راکه شورش ارتجاعی برای حمله به ایران کمین کرده بود و هر روز سیل خبرنگار و مصاحبه کننده پادشاه
 فقید مان را در چارچوب گفت و شنود هانی قرار میدادند فراموش نمیکنم، تادم مرگ هم از یاد نخواهم برد که موقعیت معنوی
 سلطنت را با زیرکی و تردستی بنفش یک مامور زندان و یایک کارمند اداره آمار تقلیل دادند و سپس از فردای آن مصاحبه
 روزنامه های خارجی از بیانات شاهنشاه با کج دلی و سیه فکری، با سوء نیت و دشمنی بهره ها گرفتند و پایه های سلطنت
 را بتزلزل و شکستگی کشیدند و مهر رسوائی و ضد انسانی به ایران پادشاهی کوفتند.

وقتی مصاحبه ها از رادیو تلویزیون پخش میشد بروشنی بازتاب آن هویدا و سودگیری دشمنان ایران پادشاهی امری
 حتمی بود، انسان از سخنان شاهنشاه در مصاحبه ها میلرزید خاصه از مفهوم مخالف آنها

در دنباله آن مقاله، مصاحبه و پیام و سخنرانی تعریف گردیده و بعد اینطور نتیجه گیری شده است.

انسان هر قدر با فراست و یا سخنگوی شایسته ای باشد نمیتواند از اشتباه مصون و بیگانه گردد. وقتی مسئولی اظهاری
 مینماید اگر متضمن منافع ملی، وطن و پادشاه نباشد و یا زیانی را بر آنها وارد آورد با تعویض آن مسئول، اثر اجرایی و یا
 افکاری آن بیان نیز بکل از بین میرود ولی بیانات پادشاه در مصاحبه ها سندی است که نه انکار پذیر است و نه قابل
 استرداد زیرا پادشاهی جاوید و دائمی است.

این کتاب را نگشودم که مصاحبه را ممدوح و یا محکوم کنم کتاب تجربیات گذشته را باز کردم که در صفحات آن

بخوانیم ، مصاحبه در شان پادشاه نیست البته اگر سلطنت را اقتداری جاوید و معنوی بدانیم

(از صفحه ۵ همان سنگر)

(پایان دومین هنگامه - به امید ادامه آن)